

کلیات

در موسیقی و ادبیات درمی

بازشناسی نظام آموزشی موسیقی سنتی افغانستان و همسایه گان

از آغاز عهد اسلامی تا استیلاي مکتب خرابات

(سده های سوم تا چهاردهم هجری)

دکتر اسدالله شعور

عبدالمؤمن صفی‌الدین بلخی بازم به نقل از دانشمند یادشده نوشته است که: «بیست و چهار شعبه را نیز به توالی اقسام، علی‌الحق به منازل بیست و هشت‌گانه‌ی قمر نسب کرده و هر دو شعبه را نیز علیحده به برجی از بروج [نسبت] داده‌اند؛ و چهل و هشت گوشه را به کواکبِ اسطرلابی هندسی نسبت کرده، مقرر نموده‌اند؛ و شش آوازه را به کواکبِ سبعه‌ی سیاره توجیه کرده‌اند که ازین جدول مفهوم می‌شود»:^۱

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
رشا	شرطین	بطین	ثریا	دبران	هقعه	هنعه		
عشاق	حسینی	راست	بوسلیک	رهاوی	بزرگ	طرفه		
زابل	دوگاه	مبرقع	عشیران	نوروزِ عرب	نوروزِ خارا	همایون	صرفه	
اوج	مُحیر	پنجگاه	نوروزِ صبا	نوروزِ عجم	ماه‌هور	نهفت	بلع	
صفاهان	عراق	زنگوله	حجاز	کوچک	ایکیات	بیات	نعایم	
نیریز	مخالف	چهارگاه	سه‌گاه	رکب	رویِ عراق	نیریزِ کبیر	بلده	
نشاپورک	مغلوب	عُزال	حصار	بیاتی	یکگاه	شهناز	قلب	
همایون	نهفت	سلمک	بوسلیک	زابل	اوج	رویِ عراق	شوله	
پ	س	ع	ق	ح	ه	زابع		۹
۱۲۹۸	۹۱۴۰	۲۹	۱۲۹۱	۱۲۰۹	۴۲۱۱	۱۲۹		
گردانیه	نهفت	همایون	زابل	اوج	مُحیر	نهفت		۱۰

واژه‌گانِ حواشی سمت‌های چپ، راست و بالای جدول، اسامی ۲۲ منزل از منازل ۲۸ گانه بیست که مهتاب در درازای یکسال می‌پیماید.*

نظریه‌ی انتسابِ مقامات به ستاره‌گانِ آسمان، بروج و منازل آنها پایه‌ی علمی نه‌داشته، اهلِ تنجیم آن را زیر تأثیر باورهای فیثاغوریان و نوافلاطونیان یونان باستان به‌میان کشیده‌اند. پژوهشگرِ برجسته و معروفِ موسیقی جهان اسلام - هنری جورج فارمر - به‌این نظرست که باورِ یادشده «ریشه در تفکرِ کهنِ سامی‌ها داشته که بعدها به‌وسیله‌ی آیین‌های صابئه‌ی حرّان و تیوری‌های یونانیان باستان و بیزانسی‌ها دامنه یافته‌است».^۲ از پژوهشگران جهان اسلام ابویوسف یعقوب فرزند اسحاق کندی در رساله‌ی موسیقی‌اش بیش از دیگران به‌شرح و توضیحِ این‌مطلب دست‌یازیده؛ و پس از رسایل **الحیرات الصفا** و دیگران نیز به‌این موضوع پرداخته‌اند. چون این

نظر بیخ و بنیاد علمی نه داشته، بیشتر بر عقاید اولیه‌ی باستانی استوارست؛ ازینرو گفته‌های دانشمندان یادشده درین زمینه یکدست نه‌بوده، بسیار پراکنده و ضد و نقیض‌اند؛ به‌طور مثال: به‌گونه‌یی که در بالا نقل گردید، محمدشانکی شش آوازه را به سبعة‌ی سیاره متعلق دانسته که میان اعداد هر دو تفاوتی وجود دارد؛ ولی مولانا علاءالدین علیشاه بن شمس الدین خوارزمی معروف به علاء منجم در رساله‌ی اشجار و اثمار خویش که در حدود شش - هفت دهه پس از بهجت‌الروح بین سالیان ۶۷۹ و ۶۹۱ هـ به‌نگارش درآمده است؛ هفت مقام اولیه را به‌گردنده‌های هفت‌گانه* وابسته دانسته، هر یک را آفریننده‌ی یک مقام دیگر نیز وانمود می‌کند و می‌نویسد: «بدان که اصل پرده‌ها هفت است و از هر یک فرعی برآورده‌اند که جمع همه چهارده باشد. ام همه پرده‌ها، پرده‌ی راست باشد و هر پرده را نسبتی با کوکبی؛ چنانکه پرده‌ی نوا منسوبست به‌زحل و پرده‌ی حسینی زاده‌ی اوست. پرده‌ی بوسلیک منسوبست به‌مشتی و پرده‌ی گواشت زاده‌ی اوست. پرده‌ی راست منسوبست به‌مریخ و پرده‌ی عشاق زاده‌ی اوست. پرده‌ی عراق منسوبست به‌آفتاب و پرده‌ی اصفهان زاده‌ی اوست. پرده‌ی نگارین منسوبست به‌زهرة و پرده‌ی زیرافگند بزرگ زاده‌ی اوست. پرده‌ی زیرافگند خُرد منسوبست به‌عطارد و پرده‌ی نهاوند زاده‌ی اوست و پرده‌ی راهوی منسوبست به‌قمر و پرده‌ی بسته‌نگارین زاده‌ی اوست»^۴

درین سیاهه اسامی دوازده مقام نوا، حسینی، بوسلیک، راست، عشاق، عراق، اصفهان، زیرافگند بزرگ، زیرافگند خُرد، نهاوند، راهوی و بسته‌نگارین ذکر یافته‌اند و در پهلوی آنها اسم آوازه‌ی گواشت یا گووشت و نام شعبه و یا گوشه‌یی به‌اسم نگارین نیز یاد شده است. طوریکه در دایره‌ی محمد شانکی می‌بینیم در آنجا نیز اسامی دو شعبه‌ی ایکیات و رُکب در ردیف دوازده مقام زیر عنوان سر و دم دایره (رأس و ذنب) آورده شده‌است؛ شاید این دو نیز از نظر گروهی از اهل تنجیم در همچو موقعیتی قرار داشته‌اند که پیگیری آنها از بحث ما به‌دور‌اند.

نظریه‌ی انتساب مقامات به‌ستاره‌گان؛ با آنکه سه، چهار قرن پیش از عبدالمؤمن و علاء منجم توسط دانشمندان بزرگ خراسانزمین چون ابونصر فارابی و ابوعلی سینای بلخی مردود شناخته شده‌است؛ ولی عنعنه‌ی یادآوری آنها در زیر تأثیر آثار ترجمه‌شده‌ی یونانی به‌زبان

عربی، در نگاشته‌های دانشمندان دری زبان به‌تواتر ادامه داشته‌است. ابن‌سینا در مقدمه‌ی کتاب شفاً قید نموده‌است که: «از پیگیری برای یافتن پیوند و ارتباط پدیده‌های آسمانی با خاصیت روان و فاصله‌های موسیقی چشم می‌پوشم، ورنه پیرو آنانی خواهم بود که از حقیقت دانش ناآگاهند و میراثدار فلسفه‌ی مندرس و سست».^۵ به این صورت ابن‌سینا چنین نظری را غیر علمی و برخاسته از افکار ناآگاهان دانسته و خود از تکرار آن احتراز جسته‌است.

در برابر اهل تنجیم و عقاید خرافی شان، اهل عرفان نیز مقامات و نواهای موسیقی را برگرفته از حرکات اجرام سماوی دانسته، به موسیقی مقام آسمانی قایل‌اند، ولیکن دلایل و براهین صوفیه درین مورد، برعکس منجمین دارای ژرفای قابل توجهی بوده، توجیحات آنان قویتر و دارای منطق به‌نظر می‌رسد. برای این‌که صحبت بیشتر درین زمینه از مبحث اصلی به‌دور مان نکشاند، به‌نقل بخش‌هایی از سروده‌ی مولانای بزرگ - حضرت جلال‌الدین محمد بلخی - بسنده می‌کنیم که در دفتر چهارم مثنوی در قصه‌ی سبب هجرت حضرت ابراهیم ادهم بلخی از خراسان، فرموده‌اند:

لیک بُد مقصودش از بانگِ رباب	همچو مشتاقان خیالِ آن خطاب
نالهِی سرنا و تهدیدِ دُهل	چیزکی ماند بدان ناقورِ کُل
پس حکیمان گفته‌اند کین لحنها	از دوارِ چرخ بگرفتیم ما
بانگِ گردشهای چرخست اینکه خلق	می‌سرایندش به‌طنبور و به‌حلق
مؤمنان گویند کآثارِ بهشت	نغز گردانید هر آوازِ زشت
ما همه اجزای آدم بوده ایم	در بهشت آن لحن‌ها بشنوده ایم
گرچی بر ما ریخت آب و گل شکی	یادِ مان آمد از آنها چیزکی
لیک چون آمیخت با خاکِ کُرب	کی دهند این زیر و این بم آن طرب
پس غذای عاشقان آمد سماع	که در او باشد خیالِ اجتماع
قوتی گیرد خیالاتِ ضمیر	بلکه صورت گردد از بانگ و صفیر

آتشِ عشق از نواها گشت تیز

آنچنانکه آتشِ آن جوزِ ریز

پس اهل عرفان را باور چنینست که حرکت موزون و قانونمند کاینات خود موجد

موسیقی ایست دلپذیر و حرکان موزون و منظم رقص و موسیقی که در سماع عارفان کاربرد دارد؛ برگرفته ازین موسیقی برخاسته از نظام هستیست؛ و رابطه بین موسیقی و آسمانها نیز در اشتراک شان در چنین نظم و آهنگست.

قدیمترین کلیاتی که دربر دارنده‌ی انتساب مقامات به بروج دوازده‌گانه است، شاید همان منظومه‌ی باشد که استاد محمدعثمان صدقی در **یادداشت‌هایی درباره‌ی موسیقی**، قاری عبدالشکور جرأت در یادداشت‌های خاتمه‌ی دیوانش و داکتر رجبی در رساله‌ی موسیقی کوکبی نقل کرده‌اند. طوریکه در برخ ششم (ص ۱۲۷) نیز تذکر رفت، این کلیات به سبب اشتراک وزن و ساختار خویش با کلیاتی از بهجت‌الروح، شاید جزئی از منظومه‌ی واحدی باشند، به‌ویژه اینکه مشخص ساختن نغمات آغازین هر مقام صرف در همین دو کلیات دیده می‌شود؛ و اگر چنین باشد که در دیوان جرأت نیز باهم آمده‌اند؛ این یکی از قدیمی‌ترین نمونه‌های موجوده‌ی کلیاتست که سخن از انتساب مقامات با بروج فلکی می‌زند و آن اینست:

۳۴/۱۱:۱

هاوی را ز هشتم نغمه خوانی
که دارد او ز شاخ **هور** آواز
ز نه نغمه ز وی آید **بزرگت**
به هفت نغمه کند میل **مسینی**
ز هشتم نغمه‌اش دانی تو **عشاق**
ز نه نغمه شده **کوچک** هویدا
نه کم آمد ز **میجران** و نه افزون
مجاز آمد ز هشتم نغمه حاصل
ز **قیس** گردید همچون تیر پرتاب
به هشتم نغمه دانی **بوسلیک**ش
ز هشتم نغمه برخوانی **نوا** را

حیل را مو به مو هر گه بدانی
ز هشتم نغمه آید **زنگله** باز
به **چورا** گر کمر بندی به خدمت
سرطان چون شود مایل به معنی
امد هرگاه شود بر ناله مشتاق
شده تا **سعیاله** بر برج پیدا
ز هشتم نغمه آمد **راست** بیرون
به **عزیز** زهره چون گردید واصل
عراق آمد ز نه نغمه به مضراب
به **چمن** باشی گر ای دل شریکش
به سوی **هلی** اگر مانی تو مارا

ز نه نغمه **سپاهان** را بداند

کسی کو **حور** را از ما بخواند^۷

در رساله‌ی موسیقی خواجه عبدالرحمان بن سیف‌الدین غزنوی که در پایان سده‌ی نهم و یا اوایل سده‌ی دهم هجری نوشته شده است، کلیات دیگری درین زمینه آمده است که نمود پاکیزه‌تر آن در رساله‌ی یادداشت‌هایی درباره‌ی موسیقی استاد صدقی نیز وجود داشته، با صرفنظر از وجود دو تفاوتی که ناشی از اشتباه کاتب نسخه‌های خطی و چاپی رساله‌ی غزنویست، اسامی مقام‌ها و نسبت آنها را با بروج با وضاحت کاملی چنین بازتاب داده است:

۳۵/۱۱:۲

راست می‌گوید **حمله**، **هور** اصفهان، **چورلا** عراق

کوپک از **خرچنگ**، **اسد** سرشار و سرمست از **عشاق**

سعیله دارد **مجاز** و **ماه میخواجه** بوسلیک

هترپ و **هوس** با **مسینی** و **رهاوی** در وفاق

چی اندر **زنگله** باید به **هلی** اندر **نوا**

حوق نوروزی بخواند با **بزرگ** بی نفاق^۱

در رساله‌ی کرامتِ مجرا یا کرامیه‌ی سفره‌چی که پیش از ۱۰۲۴ هـ تألیف یافته است؛ نیز کلیاتی درجست که از ارتباط مقامات و بروج سخن می‌گوید. درین کلیات، سلسله‌ی مراتب مقامات به نظام سنتی خراسانی شبیه است تا نظام صفی‌الدین. ازینرو چنین می‌توان پنداشت که زمان سرایش این کلیات مقدم بر زمان نوشتن کرامت مجرا بوده، شاید این یکی هم از کلیات‌های بسیار قدیمی نظم دری باشد که ممکنست در آثار دیگری که به نظر نگارنده‌ی این سطور نه‌رسیده‌اند؛ نیز درج یافته باشد. و آن سروده اینست:

۳۶/۱۱:۳

همچو اصفهان به **هور** ای نیکنام

کوپک و **خرچنگ** کردند اتفاق

از **مجاز** و **سعیله** باری بخوان!

ساخت تا **عشاق** در **هترپ** مکان

زنگوله با **چی** هم آواز شد

راست در برج **حمله** کرده مقام

تا عراق آمد به **چورلا** بی نفاق

گر **بزرگ** اندر **اسد** گشته نهان

بوسلیک آمد به **میخواجه** توأمان

چون **مسینی** **هوس** را دمساز شد

شد **نوا** و **هلی** باهم سازگار

تا **رهاوی** را به **حوق** افتاد کار^۱

برای مقایسه‌ی میزان اختلاف انتساب مقامات به بروج دوازده‌گانه، محتویات هر سه کلیات بالا را در جدولی پهلوی هم قرار می‌دهیم:

کرامت مجرا	رساله‌ی غزنوی	بهجت‌الروح	
راست	راست	رهاوی	حمل
اصفهان	اصفهان	زنگله	ثور
عراق	عشاق	بزرگ	جوزا
کوچک	کوچک	حسینی	سرطان
بزرگ	عراق	عشاق	اسد
حجاز	حجاز	کوچک	سپاه
بوسلیک	بوسلیک	راست	میزان
عشاق	حسینی	حجاز	حشرپ
حسینی	رهاوی	عراق	قوس
زنگوله	زنگوله	بوسلیک	جدی
نوا	نوا	نوا	دلو
رهاوی	بزرگ	سپاهان	حوت

این جدول به وضاحت عدم اتفاق دانشمندان را در مورد انتساب مقامات به بروج فلکی نشان داده، ثابت می‌سازد که این نظر پایه‌ی علمی نه‌دارد.





مدارک و پینوشتها:

- ۱ - بهجت‌الروح. ص ۳۳.
 - ۲ - همانجا. صص ۳۳ تا ۶۳.
- * - منازل را که مهتاب در درازای سه صد و پنجاه و پنج روز طی می‌کند؛ بیست و هشت‌اند؛ ولی محمد شانکی بیست و یک منزل آن را در جدول خویش یاد کرده‌است؛ و یا اینکه جدول او به صورت ناقص به دست مان رسیده‌است. شکل کامل این منازل و موقعیت فلکی آنها را اخترشناسان چنین نوشته‌اند:
- ۱ - شرطین: از اول حمل تا ۱۲ درجه، ۱۵ دقیقه و ۲۶ ثانیه‌ی این برج.
 - ۲ - بطین: از پایان شرطین تا ۲۵ درجه ۴۲ دقیقه و ۱۲ ثانیه‌ی برج حمل.
 - ۳ - ثریا: از ختم بطین تا ۸ درجه، ۳۴ دقیقه و ۲ ثانیه‌ی برج ثور.
 - ۴ - دبران: از آخر ثریا تا ۲۱ درجه، ۴۵ دقیقه و ۴۴ ثانیه‌ی برج ثور.
 - ۵ - هقعه: از خاتمه‌ی دبران تا ۴ درجه، ۱۷ دقیقه و ۲۰ ثانیه‌ی برج فلکی جوزا.
 - ۶ - هنعه: از اخیر هقعه تا ۱۷ درجه، ۸ دقیقه و ۳۶ ثانیه‌ی برج جوزا.
 - ۷ - ذراع: از انتهای هنعه تا اخیر برج جوزا.
 - ۸ - نثره: از اول برج سرطان تا ۱۲ درجه، ۱۵ دقیقه و ۲۶ ثانیه‌ی آن برج.
 - ۹ - طرفه: از پایان نثره تا ۲۵ درجه، ۴۴ دقیقه و ۵۱ ثانیه‌ی برج سرطان.

- ۱۰ - جبهه: از ختم طرفه تا ۸ درجه، ۴۴ دقیقه و ۱۸ ثانیه ی برج اسد.
- ۱۱ - زبره: از آخر جبهه تا ۲۱ درجه، ۱۵ دقیقه و ۴۴ ثانیه ی برج اسد.
- ۱۲ - صرفه: از اخیر زبره تا ۴ درجه، ۱۷ دقیقه و ۶ ثانیه ی برج فلکی سنبله.
- ۱۳ - عود: از خاتمه ی صرفه تا ۱۷ درجه، ۸ دقیقه و ۳۶ ثانیه ی صورت فلکی سنبله.
- ۱۴ - سماک: از انتهای عود تا ۳۰ درجه ی برج سنبله.
- ۱۵ - غفر: از اول صورت فلکی میزان تا ۱۲ درجه، ۵۱ دقیقه و ۲۶ ثانیه ی آن برج.
- ۱۶ - زبانا: از غروب غفر تا ۲۵ درجه، ۴۲ دقیقه و ۵۲ ثانیه ی برج فلکی میزان.
- ۱۷ - اکلیل: از ختم زبانا تا ۸ درجه، ۲۸ دقیقه و ۲ ثانیه ی برج عقرب.
- ۱۸ - قلب: از آخر اکلیل تا ۲۱ درجه، ۲۵ دقیقه و ۴۴ ثانیه ی عقرب.
- ۱۹ - شوله: از پایان قلب تا ۴ درجه، ۲۷ دقیقه و ۱۰ ثانیه ی برج قوس.
- ۲۰ - نعایم: از اخیر شوله تا ۱۷ درجه، ۸ دقیقه و ۳۶ ثانیه ی برج قوس.
- ۲۱ - بلده: از آخر نعایم، تا ۳۰ درجه ی کامل برج قوس.
- ۲۲ - سعد زابع: از اول جدی، تا ۱۲ درجه، ۵۱ دقیقه و ۳۶ ثانیه ی همان برج.
- ۲۳: سعد ملح. از انتهای زابع، تا ۲۵ درجه، ۴۲ دقیقه و ۵۲ ثانیه ی برج فلکی جدی.
- ۲۴ - سعد سعود: از ختم سعد ملح تا ۸ درجه، ۳۴ دقیقه و ۲۸ ثانیه ی برج دلو.
- ۲۵ - اخبیه: از خاتمه ی سعود، تا ۲۱ درجه، ۲۵ دقیقه و ۴۴ ثانیه ی ماه دلو.
- ۲۶ - فرع مقدم: از غروب اخبیه، تا ۴ درجه، ۱۷ دقیقه و ۱۰ ثانیه ی برج حوت.
- ۲۷ - فرع موخر: از پایان فرع مقدم، تا ۱۷ درجه، ۸ دقیقه و ۲۸ ثانیه ی برج حوت.
- ۲۸ - رشاء یا بطن حوت: از آخر فرع موخر تا ۳۰ درجه کامل یا پایان برج حوت.

شیوه ی استفاده از جدول محمد شانکی برای ما زیاد روشن نیست. اگر قرار باشد که ارتباط مقام ها و شعبات موسیقی را با منازلی که به صورت عمودی و افقی در برابر آنها موقعیت دارد، بپذیریم؛ انتساب چهل و هشت گوشه را به کواکب اسطرلابی هندسی به کدام اساسی می توان برقرار ساخت و شش آوازه روی کدام اصول به کواکب سبعة ی سیاره راجع شده می توانند؟

3-Farmer, Henry George. A History of Arabian Music to the XIIIth Century. London: Luzac & Co. 1967. p 125.

و همچنان در برگردان فارسی این اثر زیر عنوان

- تاریخ موسیقی خاور زمین. ترجمه‌ی بهزاد باشی. تهران: انتشارات آگاه. ۱۳۶۶. صص ۲۰۹ - ۲۱۰.

صائبین امروزی که در ایران و عراق زیست دارند، پیروان دین حضرت یحیی پیغمبرند؛ ولی صابئه‌ی حران ستاره پرستانی بودند که به‌باور آن‌ها اجرام سماوی بر کلیه جنبه‌های زنده‌گانی زمینیان تأثیرگذار و انموده می‌شد. حران محلی بود در شمال عراق که گفته‌اند امروز به‌جز از یک دهکده‌ی ویران چیزی دیگری از آن باقی نمانده‌است.

* - چون کشف نپتون و پلوتو در سالهای ۱۸۴۶ و ۱۹۳۰ میلادی و کشف سدنا یا دهمین سیاره‌ی منظومه‌ی شمسی در ۱۴ نوامبر ۲۰۰۳م و به‌دنبال آن کشف کوایر یا نیبیرو در ۲۰۰۵ صورت گرفته‌است و در همین لحظاتی که این اوراق بازمینی و آماده‌ی چاپ مجدد می‌گردد، یعنی ۱۵ اگست ۲۰۰۶م در شهر پراگ جمهوری چک کنفرانسی دایرست تا با افزایش سیاره‌گان تازه شناخته شده و برخی از اقمار پلوتو چون کارون و سیریس در مجموعه‌ی سیارات نظام شمسی تعداد این گردنده‌ها را به‌صورت رسمی به‌دوازده ارتقا دهند؛ ولی دانشمندان پیش از سده‌ی بیستم تعداد سیارات را هفت میدانستند که عبارت بودند از: عطارد، زهره، زمین، مریخ، مشتری، زحل و اورانوس. در حالی‌که دانشمندان قدیمتر که زمین را مرکز نظام کاینات می‌پنداشتند، خورشید و ماه را با عطارد، زهره، مریخ، مشتری و زحل به‌عنوان هفت گردنده‌ی دور زمین تلقی می‌کردند.

۴ - منجم، علاءالدین‌علیشاه بن شمس‌الدین بن محمدخوارزمی بخارایی. اشجار و اثمار. نسخه‌ی موجود در کتابخانه‌ی استادعلی‌اصغر بشیر هروی. ورق ۲۹ ب.

۵ - الشفا ابن سینا. ص ۳۳ مقدمه.

۶ - بلخی، مولانا جلال‌الدین محمد. مثنوی معنوی. به‌تصحیح رینولد نیکلسن. چ ۲. تهران: انتشارات نگاه و نشر علم. ۱۳۷۱. ص ۵۷۰.

۷ - یادداشت‌هایی در باره‌ی موسیقی. از محمد عثمان صدقی. ص ۳۳.

- یادداشت‌های اخیر دیوان جرأت. ص ۱۲۱.

- رساله در بیان دوازده مقام. (به‌خط سریلیک) ص ۶۴.